تربیت تعطیل نمی‌شود!

تأملی بر آموزش در شرایط بحران و فرصت‌های تربیت همه‌جانبه

■ علیرضا مصباح‌فر
مشاور مدیرعامل مجتمع



علیرضا مصباح‌فر، کارشناس ارشد روان‌سنجی از مرکز آموزش عالی فرهنگیان تهران و پژوهشگر حوزهٔ آموزش‌وپرورش است. وی فعالیت حرفه‌ای خود را به‌عنوان نخستین مدیر مرکز اختلالات یادگیری در یزد آغاز کرد و سابقهٔ مدیریت مدرسه‌های ایرانی در کشور امارات متحدهٔ عربی و عضویت در گروه مدیران مدرسه‌های این کشور، تدریس در دانشگاه‌ها و معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی ادارهٔ کل آموزش‌وپرورش استان یزد را در کارنامه دارد.

مصباح‌فر مؤلف نه جلد کتاب، از جمله هوش و استعداد و پرورش مهارت‌های اجتماعی، و مجری هشت طرح پژوهشی مستقل و همکار ده‌ها طرح پژوهشی است. طراحی سؤالات هوش آزمون ورودی مدرسه‌های استعدادهای درخشان و همکاری در طراحی و اجرای آزمون‌ها و طرح سنجش تفاوت‌های فردی در مجتمع آموزشی حضرت جوادالائمه(ع) از سال ۱۳۷۶، از دیگر فعالیت‌های تخصصی اوست.

وی در حال حاضر عضو هیئت امنا و هیئت مدیرهٔ مجتمع آموزشی حضرت جوادالائمه (ع)، مشاور مدیرعامل و مسئول ارزیابی اجرای «میثاق مشترک» این مجتمع است.

«به‌دلیل شرایط پیش‌آمده، آموزش امروز به‌صورت مجازی برگزار خواهد شد»؛ صبحی که این پیام روی تلفن همراه خانواده‌ها ظاهر شد، بسیاری آن را تنها به‌معنای تعطیلی مدرسه دانستند. در سال‌های اخیر، همه‌گیری کرونا، جنگ، آلودگی هوا، کمبود انرژی و دیگر شرایط اضطراری بارها مدرسه‌ها را به تعطیلی کشانده‌اند و طبیعی است که نخستین نگرانی، افت آموزش و عقب‌ماندن از برنامه‌های درسی باشد؛ اما در پس این دغدغه، پرسشی عمیق‌تر نهفته است: **آیا با تعطیلی مدرسه، تربیت نیز تعطیل می‌شود؟**

روزی معلمی از دانش‌آموزان خواست به جای تکلیف معمولشان، از یکی از اعضای خانواده بپرسند: «اگر هم‌سن من بودی، دوست داشتی چه چیزی را در مدرسه یاد بگیری که هیچ‌گاه فرصت آن را پیدا نکردی؟» روز بعد، کلاس به نشستی برای گفت‌وگو دربارهٔ رؤیاهای ناتمام، تجربه‌های زندگی و اهمیت گفت‌وگو در خانواده تبدیل شد. شاید آن روز صفحه‌ای هم از کتاب درسی تدریس نشد، اما دانش‌آموزان شنیدن، همدلی و شناخت عمیق‌تر از خانواده را تجربه کردند. این تجربه یادآور می‌شود که یادگیری همیشه در کلاس درس و پشت نیمکت اتفاق نمی‌افتد؛ بسیاری از ماندگارترین آموخته‌ها در متن زندگی، گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری و تجربه شکل می‌گیرد.

البته این سخن به معنای کم‌رنگ‌کردن جایگاه مدرسه نیست. مدرسه همچنان مهم‌ترین نهاد رسمی تعلیم‌وتربیت و بهترین بستر تعامل اجتماعی، یادگیری جمعی و ارتباط مستقیم با معلم است؛ اما در روزهایی که ناگزیر از دورشدن موقت از مدرسه هستیم، می‌توان از خود پرسید که خانه، خانواده و تجربه‌های روزمره چگونه می‌توانند در تحقق «**تربیت همه‌جانبه**» نقش‌آفرین باشند.

در گزارش «بازاندیشی آینده‌های مشترک ما»، یونسکو تأکید می‌کند که آموزش آینده باید فراتر از انتقال دانش، بر پرورش انسان‌هایی مسئول، اخلاق‌مدار، مشارکت‌جو و توانمند در رویارویی با مسائل پیچیدهٔ زندگی متمرکز



باشد (UNESCO, ۲۰۲۱). این نگاه با **سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش** نیز همسوست؛ سندی که غایت تعلیم‌وتربیت را دستیابی به «حیات طیبه» از طریق رشد متوازن ساحت‌های گوناگون وجود انسان می‌داند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). بنابراین، آموزش زمانی اثربخش است که همهٔ ابعاد دانش‌آموز را مخاطب قرار دهد، نه‌فقط یادگیری محتوای درسی.

در چنین نگاهی، خانه فقط محل انجام تکلیف نیست، بلکه می‌تواند به محیطی برای تجربه، گفت‌وگو و یادگیری تبدیل شود. مشارکت در کارهای خانه، مطالعهٔ مشترک، گفت‌وگو دربارهٔ مسائل روز، پذیرش مسئولیت‌های متناسب با سن و انجام فعالیت‌های مشترک خانوادگی فرصت‌هایی برای پرورش مسئولیت‌پذیری، همدلی، خودتنظیمی و مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند؛ شایستگی‌هایی که بخش مهمی از تربیت همه‌جانبه را تشکیل می‌دهد.

تحقق این هدف بدون مشارکت خانواده ممکن نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد هرگاه خانواده از ناظری بیرونی به «شریک تربیتی» مدرسه تبدیل شود، انگیزهٔ یادگیری، احساس تعلق، مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد (Epstein, ۲۰۱۸). در ایران نیز ناصر یوسفی با تکیه بر تجربه‌های آموزشی خود نشان می‌دهد که مشارکت فعال خانواده، آموزش را از مرزهای مدرسه فراتر می‌برد و آن را وارد زندگی روزمرهٔ کودکان می‌کند؛ جایی که یادگیری معنا و پایداری بیشتری می‌یابد (یوسفی، ۱۴۰۴، صص. ۱۲۸–۱۲۹).

تحقق این هدف بدون مشارکت خانواده ممکن نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد هرگاه خانواده از ناظری بیرونی به «شریک تربیتی» مدرسه تبدیل شود، انگیزهٔ یادگیری، احساس تعلق، مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد

در این میان، نقش معلم نیز دگرگون می‌شود. معلم فقط انتقال‌دهندهٔ محتوا نیست، بلکه طراح موقعیت‌های یادگیری است؛ کسی که میان کتاب درسی و تجربه‌های واقعی زندگی پیوند برقرار می‌کند. گزارش‌های مبتنی بر راه‌اندازی مجدد و نوسازی مدرسه[1] نشان می‌دهد مدرسه‌هایی که در دوران همه‌گیری، ارتباط مستمر با دانش‌آموزان، فعالیت‌های معنادار و پروژه‌های خانوادگی را جایگزین انتقال صرف محتوا کردند، در حفظ کیفیت یادگیری موفق‌تر بودند (Darling-Hammond et al., ۲۰۲۰). این تجربه‌ها ما را به بازنگری در شیوه‌های سنجش و ارزشیابی نیز دعوت می‌کنند. اگر تنها آنچه در آزمون‌های کتبی قابل اندازه‌گیری است «یادگیری» تلقی شود، بسیاری از تجربه‌های ارزشمند کودکان نادیده گرفته می‌شود. در مقابل، رویکرد «**ارزشیابی برای یادگیری**» بر مشاهدهٔ عملکرد، بازخورد مستمر، خودارزیابی و توجه به فرایند رشد تأکید دارد (Black & Wiliam, ۱۹۹۸). کودکی که در روزهای تعطیلی مسئولیتی در خانه می‌پذیرد، مسئله‌ای واقعی را حل می‌کند یا در گفت‌وگوهای خانوادگی مشارکت دارد، شایستگی‌هایی را تمرین می‌کند که شاید در آزمون‌های سنتی سنجیده نشود؛ اما بخش مهمی از سرمایهٔ تربیتی او را می‌سازد.

البته نباید از نابرابری‌های آموزشی غافل شد. همهٔ خانواده‌ها از امکانات و فرصت‌های یکسان برخوردار نیستند و این واقعیت، مسئولیت نظام آموزشی را برای حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر دوچندان می‌کند. با این حال، تجربهٔ سال‌های اخیر نشان داده است که هرگاه مدرسه، خانواده و معلم به‌عنوان سه ضلع مثلث تربیتی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، حتی شرایط بحرانی نیز به فرصتی برای رشد و یادگیری تبدیل شده است.

در این میان، نقش معلم نیز دگرگون می‌شود. معلم فقط انتقال‌دهندهٔ محتوا نیست، بلکه طراح موقعیت‌های یادگیری است؛ کسی که میان کتاب درسی و تجربه‌های واقعی زندگی پیوند برقرار می‌کند.

به تعبیری، «**آموزش از زندگی شروع می شود. بازندگی پیش می رود و بر زندگی تاثیر می گذارد**» (یوسفی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۹). شاید مهم‌ترین درس روزهای بحران نیز همین باشد؛ اینکه اگر آموزش با زندگی پیوند بخورد، تعطیلی موقت مدرسه الزاماً به‌معنای توقف تربیت نخواهد بود. مدرسه ممکن است گاهی تعطیل شود، اما **تربیت، اگر به خانه و خانواده و زندگی گره بخورد، هرگز تعطیل نخواهد شد.** ■

منابع فارسی

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

یوسفی، ناصر (۱۴۰۴). آموزش‌وپرورش انسانی‌نگر: اصول و مبانی (چاپ دوم). تهران: مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا.

منابع انگلیسی

Black, P., & Wiliam, D. (1998). Assessment and Classroom Learning. Assessment in Education: Principles, Policy & Practice, 5(1), 7–74.

Darling-Hammond, L., et al. (2020). Restarting and Reinventing School: Learning in the Time of COVID and Beyond. Learning Policy Institute.

Epstein, J. L. (2018). School, Family, and Community Partnerships: Preparing Educators and Improving Schools (3rd ed.). Routledge.

UNESCO. (2021). Reimagining Our Futures Together: A New Social Contract for Education. Paris: UNESCO.

■ **دبستان دخترانهٔ دورهٔ دوم (ناحیهٔ ۱):**



• **صمیمیت مجازی:** فضای مجازی با همه سختی‌اش، تجربهٔ جالبی بود؛ با هم شوخی می‌کردیم، می‌خندیدیم و به هم دلداری می‌دادیم. بعضی بچه‌ها می‌خواستند مجازی بمانند اما من دلم می‌خواست حضوری باشد.

• **روز دختر با دف:** یک روز مانده به روز دختر، معلممان، ما را تشویق کرد که سازی بنوازیم یا دکلمه‌ای بگوییم. من هم آهنگی با دف نواختم و برای معلم فرستادم. صبح روز بعد، در کلاس آنلاین برای بچه‌ها دف زدم تا در آن روزهای سخت، شاد باشند. بچه‌های دیگر هم دکلمه خواندند یا ساز نواختند. آن روز برایم بهترین بود. (ثنا زیدآبادی)

• **دلگرمی معلم:** در مدرسه، هواپیمای جنگی در آسمان دیدیم و خیلی ترسیدیم. اما معلممان صحبت کردند و گفتند: همه با هم هستیم و از هیچ چیز نمی‌ترسیم.



1. Restarting and Reinventing School